

## آثار سنگی تمدن اسلامی در گورستان ارامنه تبریز (ریشه‌یابی و تبیین دلایل وجودی)

محمدباقر کبیرصابر\*

### چکیده

برای پژوهشگرانی که در قلمرو تاریخ هنر فعالیت می‌کنند، مطالعه کیفیات پیدا و پنهان گورستان‌های تاریخی، به منظور درک بخشی از عوالم و روابط حاکم بر جوامع گذشته اهمیت ویژه‌ای دارد. زیرا از طریق تأمل در کیفیات محیطی این محوطه‌ها و همچنین تدقیق در مواد فرهنگی پراکنده در محیطشان، می‌توان نقبی به فهم برخی ناشناخته‌ها از پیشینه جوامع و درک زوایایی از ماهیت فکری غالب بر آنها زد. اما اگر ساختار معنایی چنین محوطه‌هایی از همان ابتدای شکل‌گیری متأثر از مؤلفه‌های متناقض و یا متضاد باشد، مسیر پرچالشی پیش روی تحلیل‌های معناشناختی قرار خواهد گرفت. زیرا برای نیل به حقیقت معنا، موانع پیچیده و کثیری باید مشخص و کنار زده شود. بر مدار این سخن، نوشتار حاضر موضوعی تأمل‌برانگیز در گورستان ارامنه تبریز یعنی درهم‌آمیختگی مواد فرهنگی متأثر از دو آیین اسلامی و مسیحی را مورد توجه قرار داده است. در محوطه این گورستان علاوه بر سنگ قبرهایی که حاصل صناعت هنرمندان ارمنی است، تعداد زیادی نیز سنگ قبرهای اسلامی متعلق به قرون هفتم الی نهم هجری قمری و همچنین مصالح سنگی منقور و منقوش بناها و محوطه‌های متعلق به تمدن اسلامی سده‌های میانه، به‌خصوص دوره ایلخانی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. هم‌جواری آثار هنری متأثر از دو ایدئولوژی متفاوت اسلامی و مسیحی در این محوطه آیینی موجب نوعی درهم‌آمیختگی معانی و مفاهیم شده است؛ زیرا امتزاج آثار چه از نظر سبکی، چه مراتب تاریخی و چه مفاهیم یا محتوا، کاملاً ناهمگون است. چرایی و چگونگی پیدایی این امر، مسئله اصلی پژوهش بود که نوشتار حاضر گزارشی از آن است. این نوشتار با استفاده از روش توصیفی-تاریخی، مسئله فوق‌الذکر را مورد تحلیل و ریشه‌یابی علمی قرار می‌دهد و توضیح داده می‌شود که کیفیت محیطی مورد بحث، پی‌آمد یک فرآیند تاریخی است که طی آن، جابجایی دسته‌ای از مواد فرهنگی دوره اسلامی، از بسترهای اصلی خویش به بستری دیگر - یعنی این گورستان - واقع شده است.

### واژگان کلیدی

محوطه‌های تاریخی، مواد فرهنگی جابجا شده، گورستان ارامنه تبریز، آثار سنگی.

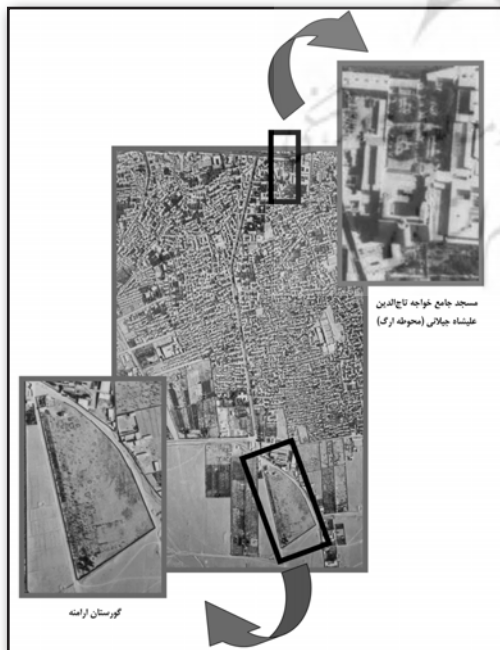
\*. دکتری معماری. استادیار گروه تاریخ معماری و مرمت دانشگاه شهید بهشتی. تهران، ایران. ۰۲۲۴۳۱۶۳۶. mbkabirsaber@gmail.com

سیر تحولات ساختاری شهر تبریز در طی یکصد سال گذشته، معلوم می‌شود زمین این گورستان پیشتر زمین زراعی بوده و بعد از خریداری به عملکرد فعلی اختصاص یافته است. لازم به ذکر است، در طرح‌های عمرانی جدید که برای کلان‌شهر تبریز تدوین و تصویب شده است، زمین گورستان مورد مطالعه، در محدوده طرح توسعه پردیس مرکزی دانشگاه هنر اسلامی تبریز قرار دارد (تصویر ۳).



تصویر ۱. موقعیت گورستان ارامنه در نقشه دارالسلطنه تبریز، ترسیم: محمدرضا مهندس و سرهنگ قراجه‌داغی، سال ۱۲۹۷ هـ. ق. مأخذ: فخار تهرانی، پاریس و بانی مسعود، ۱۳۸۵.

Fig 1. The location of the Armenian cemetery as indicated in Dar Al-Saltaneh Map of Tabriz drawn by Mohammad Reza Mohandes and Colonel Gharaje Daghi in 1297 AH. Source: Fakhar Tehrani, Paris, Bani Masoud, 2006.



تصویر ۲. موقعیت گورستان ارامنه بر روی عکس هوایی سال ۱۳۳۵ شمسی. مأخذ: محمدباقر کبیرصابر.

Fig 2. The location of the Armenian cemetery as indicated in an aerial image in 1956. Source: Author.

## مقدمه

یکی از مظاهر همزیستی تاریخی اکثریت مسلمان شهر تبریز با اقلیت ارامنه این شهر، گورستان‌هایی است که پیروان اقلیت مذکور، طی سده‌های مختلف، جهت خاکسپاری و تکریم درگذشتگان خود در این شهر ایجاد کرده‌اند. از میان چند گورستانی که ارامنه در تبریز دارند، در حال حاضر فقط از یکی از آنها که در ابتدای خیابان امامیه واقع شده است، استفاده می‌کنند. علی‌الاصول دانسته است که سامان محیطی و هنجار کالبدی گورستان‌های ارامنه به دلایل اعتقادی، ملهم از آداب و مناسک آیین ارمنی انتظام یافته‌اند. اما نکته تأمل‌برانگیز در تعمیم این ادعا به گورستان مورد مطالعه، آن است که تعداد زیادی آثار سنگی متعلق به تمدن اسلامی سده‌های میانه که از لحاظ محتوایی، دربرگیرنده پیام‌هایی از اندیشه و هنر اسلامی هستند، در ترکیب و ساختار محیطی آن ایفای نقش می‌کند که تضادهایی را از بُعد معناشناختی در محیط پدید آورده‌اند.

این درهم‌آمیختگی آثار که از هیچ قاعده شناخته‌شده‌ای از قواعد مرسوم در گورستان‌های کهن ارامنه پیروی نمی‌کند، پرسش‌هایی را درباره چرایی و چگونگی بروز آن ایجاد می‌کند. پاسخ به این مسئله، دغدغه پژوهشی بود که نوشتار حاضر برآمده از نتایج آن است. فرآیند پژوهش به روش توصیفی - تاریخی انجام پذیرفت و بر این اساس شیوه تدوین مطالب نیز تابع این رویکرد است. شایان ذکر است اهمیت بحث حاضر اگر چه بدواً ابهام‌زدایی از مسئله فوق‌الذکر است، لکن در مراتب بعدی دو آورده فرعی دیگر را نیز به دنبال دارد؛ اولاً پاسخ به برخی خلأهای علمی در باب شناخت این محوطه تاریخی و ثانیاً شناسایی تعدادی از مصالح پناهای تاریخی شهر تبریز از قرون هفتم الی نهم هـ. ق. ضمناً ساختار بحث به گونه‌ای تدوین شده است که ابتدا روند شکل‌گیری و تکوین محیطی این گورستان بررسی و سپس به چرایی حضور آثار مختلف تمدن اسلامی از قرون هفتم الی نهم هـ. ق. در این گورستان مسیحی پاسخ داده شود.

## موقعیت شهری

گورستان فعلی ارامنه تبریز، در قسمت جنوبی شهر تبریز، انتهای خیابان شریعتی جنوبی (شهنواز جنوبی سابق) و ابتدای خیابان امامیه و در ضلع جنوبی پردیس دانشگاه هنر اسلامی تبریز (مکان قبلی کارخانه چرم‌سازی خسروی) واقع شده و به مدیریت خلیفه‌گری کل ارامنه آذربایجان اداره می‌شود. محوطه مذکور اگرچه اینک در داخل شهر و جزیی از محدوده آن به حساب می‌آید، لکن در عصر قاجار هنگامی که به عنوان مکان گورستان مورد توجه قرار گرفت، زمینی در بیرون شهر و در حومه جنوبی آن بود؛ یعنی در منتهی‌الیه جنوبی محله ارامنه (بارون‌آواک) و در نقطه‌ای از حاشیه شهر مکان‌یابی شده بود که در نزدیکی کامل به محلات ارامنه قرار داشت (تصاویر ۱ و ۲). با قدری تأمل در

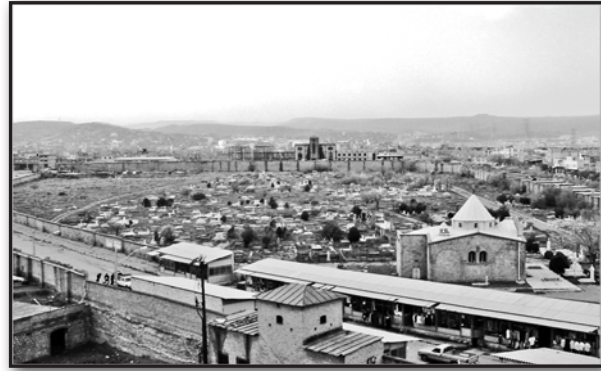
• مراحل تکوین تاریخی محوطه

«لینا ملکیمان» در کتاب «کلیساهای ارامنه ایران» این طور بیان کرده که گورستان مورد مطالعه، حدوداً یک و نیم قرن پیش و به سال ۱۸۵۶ م. یعنی برابر با سال ۱۲۷۳ هـ ق ایجاد شده است. لذا بر پایه این تاریخ، زمان شکل گیری گورستان به اواسط دوره قاجاریه و به عهد پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار برمی گردد. اما باید توجه داشت کلیسای واقع در محوطه آن که کلیسای «شوگاگات مقدس» نامیده می شود، در سال ۱۹۴۰ میلادی و در دوره پهلوی اول احداث شده و حدوداً هفتاد سال قدمت دارد. همچنین وی گونه ساختمانی کلیسای واقع در محوطه این گورستان را «ماتور / مادور» معرفی می کند، و درباره بانی آن می نویسد: «این ماتور را فرد نیکوکاری به نام سیمون منوچهریان، به یاد مادرش شوگاگات ساخته است» (همان: ۴۶). همچنین «آندرانیک هویان» محقق ارمنی در کتاب نیز راجع به تاریخچه و مشخصات این بنا می نویسد: «در گورستان ارمنیان تبریز، کلیسایی کوچک در سال ۱۹۴۰ م. به هزینه سیمون منوچهریان با سنگ تراشیده شده ساخته شد. طول کلیسا چهارده متر و شصت سانتی متر و عرض آن ده متر است. کلیسای شوگاگات [را] همانند مادورهایی که ارمنیان در گورستانها برای انجام مراسم مذهبی پیش از دفن درگذشتگان می سازند [،] به سبک معماری کلیساهای ارمنیان ساخته اند» (۱۳۸۲: ۱۳۲).

پس با قدری تأمل در مطالب فوق نکته قابل توجهی که درباره تکوین ارکان این گورستان روشن می شود، وجود فاصله زمانی بین شکل گیری اولیه گورستان و احداث کلیسا در آن است؛ تاریخ ایجاد گورستان سال ۱۸۵۶ میلادی و تاریخ ساخت کلیسای آن، سال ۱۹۴۰ میلادی است که اختلاف زمانی برابر با ۸۴ سال را نشان می دهد. بر این اساس و به ظن قوی در سالهایی که گورستان فاقد کلیسا بود، مناسک آیینی پیش از تدفین که باید برای شخص متوفی در کلیسا برگزار شود، در یکی از کلیساهای داخل شهر انجام گرفته و سپس جنازه جهت تدفین به این گورستان آورده می شد.<sup>۷</sup>

• کیفیات محیطی گورستان

به طور کلی خصوصیات محیطی این گورستان از نقطه نظر کیفیات فضایی، شباهت زیادی به دیگر گورستانهای ارامنه دارد - که پرداختن بدان در این مقاله چندان مد نظر نیست - لکن آنچه به محیط مورد مطالعه ویژگی خاص می بخشد، حضور آثار سنگی متنوع از هنرمندان مسلمان قرون هفتم الی نهم هـ ق. است که به تعداد زیاد در محوطه مورد استفاده قرار گرفته است. این آثار تاریخی تمدن اسلامی که عمدتاً بقایایی از مصالح ابنیه کهن شهر و یا سنگ قبرهای صندوقه‌ای متعلق به گورستانهای مسلمانان هستند؛ از بخشهای دیگر شهر جمع آوری و به این مکان آورده شده اند. این آثار سنگی که ذاتاً و بدواً تعلق به



تصویر ۳. نمای عمومی گورستان ارامنه و کلیسای آن. مأخذ: آرشیو مهندس عزیزیانس (مهندسین مشاور آرمانشهر).

Fig 3. The Armenian cemetery and its church. Source: Architect Azizyans

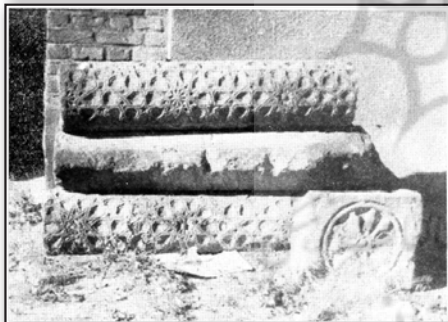
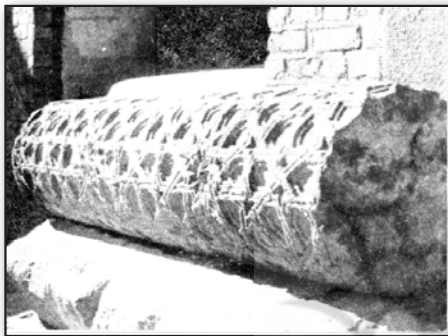
شناخت تاریخی

• مقدمه‌ای بر شناخت گورستانهای ارامنه در تبریز

حضور تاریخی اقلیت ارامنه در شهر تبریز همواره ایجاب می کرده است محوطه‌ای اختصاصی در این شهر برای دفن درگذشتگانی ایجاد شود که مؤمن به آیین ارمنی هستند. اگرچه اطلاعات تاریخی در زمینه پیشینه گورستانهای ارامنه در تبریز محدود است، لکن به ظن قوی نخستین مکانی که ارامنه تبریز از آن به عنوان گورستان استفاده کرده اند، می تواند محوطه اطراف کلیسای مریم مقدس در محله آرمیان باشد؛ که بعدها از زمانی که چندان مشخص نیست، از حالت گورستان عمومی ارامنه خارج و فقط برخی از شخصیت‌های مهم ارمنی در آن دفن شده اند. ارامنه بعداً مکان دیگری را به عنوان گورستان در سمت جنوب شرقی شهر و در اراضی مارالان برمی‌گزینند؛ این گورستان، کلیسایی داشته که در زلزله ویرانگر سال ۱۱۹۳ هـ ق. منهدم و بعد در سال ۱۸۳۱ م. برابر با ۱۲۴۶ هـ ق توسط یک خیر ارمنی نوسازی می شود (شجاع دل، ۱۳۸۵: ۸۳). این گورستان تا سال ۱۹۵۱ میلادی برابر با ۱۳۶۶ هـ ق. دایر بوده و در آن تدفین صورت می گرفته است (همان: ۸۴)، تا اینکه به دلیل از دست دادن گنجایش، متروکه ماند. ارامنه تبریز سپس زمین دیگری را در جنوب شهر برای ایجاد گورستان انتخاب کردند " ... این زمین در تاریخ ... ۱۸۵۶ م. از سوی اسقف ساهاک ساتونیان، خلیفه وقت ارامنه آذربایجان، خریداری شد و به این امر اختصاص یافت. قبل از این تاریخ، محوطه کلیسای مریم‌ننه مارالان، گورستان ارامنه تبریز بود" (پیشین: ۷۸). این گورستان جدید که تاکنون نیز مورد استفاده ارامنه است، حدود یک و نیم قرن پیش بنیان نهاده شده است.<sup>۴</sup> این تاریخ مقارن با برهه‌ای از تاریخ ارامنه آذربایجان بود که آنها دارالسلطنه تبریز را برای استقرار قدیمی‌ترین خلیفه‌گری ارامنه ایران، یعنی خلیفه‌گری کل آذربایجان انتخاب کرده بودند (ملکمیان، ۱۳۸۰: ۴۳).

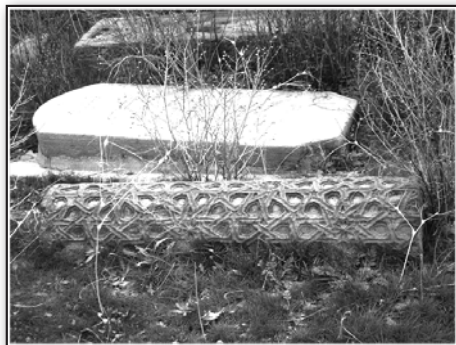


از نظر سبکی نمی‌توان در تعلق‌شان به دوره ایلخانی شک کرد. شادروان «عبدالعلی کارنگ» صاحب کتاب پیراج «آثار باستانی آذربایجان» در کتاب خود، دو تصویر از همان قطعه سنگ‌هایی را منتشر کرده است که باستان‌شناسان کشف کرده بودند (تصاویر ۴ و ۵). تصویر این آثار نفیس حجاری شده، همواره موجب شگفتی و تحسین پژوهشگران علاقه‌مند به شناخت سیر تحول تاریخ معماری در تبریز بوده است؛ حال با شناسایی تعدادی دیگر از آثار مشابه، زمینه برای تکمیل اطلاعات پیشین فراهم آمده است (تصویر ۶). آثار سنگی منتقل شده به محوطه گورستان ارامنه باید مورد مطالعه دقیق‌تر قرار گیرد تا ارتباط‌شان با کالبد کهن مسجد جامع خواجه تاج‌الدین علیشاه بررسی و محرز شود؛ هرچند ظاهر امر چنین ارتباطی را تأیید می‌کند.



تصاویر ۴ و ۵. نمونه‌ای از آثار سنگی مکشوفه از حفارهای محوطه مسجد جامع خواجه تاج‌الدین علیشاه. مأخذ: کارنگ، ۱۳۷۴.

Fig 4 & 5. A stonework unearthed in the vicinity of «Khaje Taj al-Din Ali Shah» mosque. Source: Karang, 1995.



تصویر ۶. نمونه‌ای از آثار سنگی موجود در محوطه گورستان که شبیه ستون‌های مکشوفه از محوطه مسجد جامع خواجه تاج‌الدین علیشاه هستند. عکس: محمدباقر کبیرصابر، ۱۳۸۸. Fig 6. A stonework unearthed in the cemetery (it is similar to the columns discovered around Khaje Taj al-Din Ali Shah mosque). Photo: Mohammadbagher Kabirsaber, 2010.

محیط فعلی استقرارشان ندارند، به مرور به عنوان سنگ مزار و یا به منظور آراستن محوطه مورد استفاده قرار گرفته و تعدادی از آنها نیز بلااستفاده در محیط رها شده‌اند. این مواد فرهنگی جابجا شده دوره اسلامی که مقر اولیه آنها مکان‌های دیگری در سطح شهر تاریخی تبریز بوده است، حاصل صناعت هنرمندان مسلمان قرون هفتم الی نهم هـ ق. بوده و اینک از منظر تأملات معناشناختی، در موقعیتی مغایر با قصد و اراده هنرمندان آفریننده آنهاست. از سوی دیگر حضور این عناصر ناآشنا که خاستگاه فرهنگی متفاوتی با فرهنگ محیط استقرارشان دارند، در فضای آیینی ارامنه تأمل برانگیز بوده و نتیجه آن، پدیدآمدن کیفیت محیطی خاص و معناداری است که برای اهل پژوهش تولید سؤال می‌کند.

#### • مروری بر هویت مواد فرهنگی جابجا شده

آثار سنگی مورد اشاره که در اینجا مواد فرهنگی جابجا شده می‌گوییم، از نظر ظرافت طراحی و کیفیت حجاری در سطح بالایی قرار دارد. بنابراین مجموعه آثار سنگی مذکور را می‌توان در قالب گنجینه‌ای از مواد فرهنگی کهنی معرفی کرد که تاکنون به علت دوری از انظار شهروندان و محدودیت تردد به محوطه گورستان، ناشناخته و مغفول مانده‌اند. آثار مذکور را از نقطه نظر طبقه‌بندی کاربردی<sup>۱</sup> می‌توان به دو دسته کلی گونه‌بندی کرد؛ نخست: سنگ‌هایی که بقایای کالبدی بناهای کهن است و دوم: سنگ قبرهای صندوقه‌ای، متعلق به گورستان‌های متروکه اسلامی.

#### • بقایای کالبدی بناهای اسلامی

تعدادی از آثار سنگی مورد بحث، تکه‌های جدا افتاده از پیکره کالبدی ساختمان‌های کهن شهر است. هریک از این عناصر ساختمانی روزگاری به عنوان بخشی از یک ساختمان منسجمی آراسته به لطایف و دقایق هنری بوده است. این ادعا بدان لحاظ است که کیفیت طرح و اجرای این قطعات سنگی، حکایت از نقش مؤثر آنها در ایجاد فضایی فاخر و مطلوب دارد. با این حال سرنوشت این اجزای کالبدی چنین بوده که از پیکر بنای اصلی جدا شده و در نهایت هم‌نشین گورستان باشد. تردیدی نیست که منشأ این آثار، عمارات پرشکوه تبریز کهن است که در اثر زلزله‌های مکرر این شهر منهدم و اجزایشان پراکنده شده است. لازم به ذکر است تأمل در کلیت حجمی و هنجار فرمی برخی از این آثار سنگی، مبین پیوندهای محکم و غیرقابل تردید بین فرم آنها و فرم عناصر سنگی مسجد جامع خواجه تاج‌الدین علیشاه (قرن هفتم هـ ق.)، همان محوطه فعلی ارک تبریز است.<sup>۲</sup> دلیل این ادعا آثاری است که در کاوش‌های باستان‌شناسی در ابتدای دهه ۵۰ شمسی از محوطه تاریخی مسجد مذکور به‌دست آمد. شباهت‌های شکلی و قرابت‌های فرمی بین آنها به حدی است که

کتیبه‌ها سالم باقی مانده‌اند و برخی دیگر نیز تراش داده و پاک شده‌اند. به ظن قوی این سنگ قبرها از گورستان‌های تاریخی شهر همچون گورستان گجیل، چرنداب، سرخاب، نوبر و غیره بدان‌جا آورده شده است. البته درباره فراهم آمدن زمینه انتقال این آثار، باید به یک نکته تاریخی توجه شود؛ با روی کارآمدن رضاشاه تعدادی از گورستان‌های تاریخی شهر که قدمت برخی از آنها حتی به دوران ایلخانی نیز می‌رسید، جهت توسعه فضای شهری و ایجاد کالدهای نوین، تخریب و تسطیح شدند. این برنامه بخشی از مداخلات بی‌پروا در نظام کالبدی شهر سنتی به منظور شباهت‌یافتن به شهرهای اروپایی بود که بنیان‌های دیرپای هنجار شهر را به چالش کشیده و ایجاد تنش کرد. تبدیل گورستان تاریخی گجیل (گورستانی که برخی به سند معتقدند پیکر شمس تبریزی در آنجا به خاک سپرده شده است) به پارک (گلستان باغی) نمونه‌ای از این اتفاقات بود. بر پایه این توصیف گمان می‌رود چون آرامنه به استفاده از مصالح سنگی در ساخت بناها و محوطه‌های آیینی‌شان اهمیت ویژه‌ای قایل بودند، لذا قطعات سنگی مذکور را که در اثر وقایع زمان، بلااستفاده شده بود را در این محل جمع‌آوری کرده و به نحوی که از نظر اجتماعی ایجاد حساسیت نکند، مجدداً به کار برده‌اند.



تصاویر ۹ و ۱۰. نمونه‌ای از سنگ‌مزارهای اسلامی قرون هفتم الی نهم ه. ق. در محوطه گورستان آرامنه<sup>۱۰</sup>. عکس: محمدباقر کبیرصابر، ۱۳۸۸.  
Fig 9 & 10. An Islamic gravestone in the cemetery (assumed to belong to the era between the seventh and the ninth century AH). Photo: Mohammadbagher Kabirsaber, 2010.

مطالعه تطبیقی بین هندسه نقوش حک شده بر روی ستون‌های سنگی محوطه گورستان آرامنه با ستون‌های سنگی کشف شده در کاوش‌های مسجد جامع خواجه تاج‌الدین علیشاه (مشهور به ارک علیشاه تبریز)، وحدت سبکی و موضوعی آنها را نشان می‌دهد. هندسه نقوشی که شیوه طراحی آنها، مسلماً از دستاوردهای هنری «مکتب اول تبریز» در نگارگری است که در عصر ایلخانان مغول و هنگام پایتختی تبریز، به ظهور رسید (تصاویر ۷ و ۸).

تصاویر ۷ و ۸  
نمونه‌ای از  
ستون‌های سنگی  
موجود در محوطه  
گورستان آرامنه که  
متعلق به بناهای  
دوره ایلخانی شهر  
بوده است. عکس:  
محمدباقر کبیرصابر،  
۱۳۸۸.

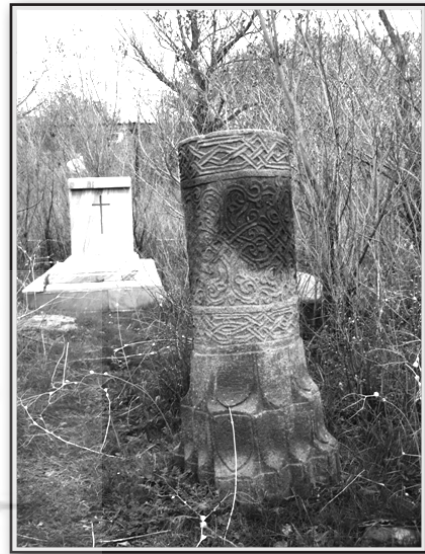


Fig 7 & 8. A stone column in the cemetery (assumed to belong to the Il-Khani era). Photo: Mohammadbagher Kabirsaber, 2010.

#### • سنگ قبرهای صندوقه‌ای

تعدادی دیگر از قطعه‌سنگ‌های منتقل شده به این گورستان را سنگ قبرهایی تشکیل می‌دهند که تعلق به گورستان‌های اسلامی قرون هفتم الی نهم ه. ق. دارند (تصاویر ۹ و ۱۰). این نوع آثار سنگی که متأثر از تلمیح‌های هنر اسلامی هستند، یکی از شگفتی‌های این محوطه به حساب می‌آید؛ زیرا بر روی برخی از آنها کتیبه‌های ظریفی از آیات قرآنی و یا دیگر نوشته‌هایی به زبان عربی حجاری شده است (تصاویر ۱۱ و ۱۲). غالب این





تصاویر ۱۱ و ۱۲. نمونه‌ای از سنگ‌قبرهای صندوقه‌ای که بر روی آنها کتیبه‌هایی به زبان عربی حجاری شده است. عکس: محمدباقر کبیرصابر، ۱۳۸۸.  
Fig 11 & 12. A gravestone with Arabic inscription Photo: Mohammadbagher Kabirsaber, 2010.

### برهم‌کنش معنایی آثار

را احاطه کرده، علی‌رغم مرئی بودن، به راحتی قابل فهم نیستند. در مجموع از نظر احساسی، تأثیرات متقابل این آثار سنگی و محیط، منجر به ایجاد تعارض در مخاطبین می‌شود. این تعارض در وهله نخست برآمده از اجتماع عناصر ناآشنا در کنار هم و ترکیب نامتعادل آنها است و دیگر تضادی است که در اثر اختلاط ناهمگون معانی در محیط، ایجاد شده و موجب مخدوش شدن کیفیت نمادین این محیط آیینی شده است.

طبیعی است امتزاج ناهمگون آثار آیینی ملهم از ایدئولوژی‌های مختلف در یک محیط واحد، مفاهیم محیطی مغشوشی را سبب خواهد شد. منظر محیط مورد مطالعه نیز ترکیبی از اجزایی است که هر کدام پیامی خاص را القا می‌کند؛ پیام‌های آیینی مختلفی که هر یک برای افرادی از مخاطبین مطبوع است. اما مسئله مهم دیگر آن است که برخی از پیام‌ها نظم ساختاری خود را به دلایلی از دست داده‌اند؛ مثلاً برخی در اثر آسیب‌دیدگی‌های ناشی از یخبُرد شدن و یا ضربات فیزیکی و برخی به دلیل پیچیدگی‌هایی که آنها

### نتیجه‌گیری

روندی که این نوشتار آن را دنبال کرد، تلاشی جهت بیان علمی یک فرآیند تاریخی بود که به صورت جابجایی دسته‌ای از مواد فرهنگی کهن از بستری به بستر دیگر مطرح شده بود. اصولاً «مواد فرهنگی جابجا شده» که به عللی از مبدأ و خاستگاه فکری و فرهنگی خویش به زمینه‌ای دیگر منتقل می‌شود، همراه با جابجایی فیزیکی، بار معنایی نیز با خود منتقل می‌کند. مصداق این موضوع را می‌توان در آثار سنگی بناها و محوطه‌های اسلامی سده‌های میانه مشاهده کرد که به گورستان فعلی ارامنه تبریز انتقال یافته‌اند. در این گورستان با قدمت یک و نیم قرن، آثار سنگی متعلق به هفت قرن پیش‌تر وجود دارد که اصالتاً متعلق بدان‌جا نیست. ثمره این جابجایی و نهایتاً هم‌جواری آثار هنری برخاسته از دو حوزه ایدئولوژی متفاوت اسلامی و مسیحی در کنار هم، هنجار معنایی محیط را گرفتار نوعی ناهمگونی ساخته است؛ زیرا مظاهر و معانی منبعث از آثار دو فرهنگ، به طرز نامنظمی در محوطه مورد مطالعه با یکدیگر در تماس‌اند. به این ترتیب کیفیت محیطی این گورستان نسبت به دیگر گورستان‌های تاریخی ارامنه از اصالت کافی برخوردار نیست. موضوع مهم دیگری که باید در مطالعات آتی مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد، تاریخ‌گذاری دقیق‌تر آثار سنگی منتقل شده به این گورستان است تا زمینه تقرب به بازشناسی ماهیت و هویت اصلی آنها فراهم آید. البته انجام این امر برای محققینی که در حوزه تاریخ معماری تبریز قدیم، به‌خصوص در عهد ایلخانی و ترکمانان فعالیت کرده‌اند، کار چندان سختی نیست. زیرا از طریق تاریخ‌گذاری مقایسه‌ای و با قیاس فرمی و فنی این آثار با دیگر آثار تاریخی شهر، که هویت و تاریخ آن مشخص است؛ قابل ارزیابی خواهد بود.

### پی‌نوشت‌ها

۱. برای مطالعه درباره سیر تحولات کالبدی شهر تبریز، رک به: مهندسین مشاور معماری و شهرسازی عرصه، ۱۳۷۰.
۲. در کتاب «کلیساهای ارمنیان ایران» اثر «آندرانیک هویان» تاریخ شروع به ساخت کلیسای مریم مقدس، سال ۱۷۸۲ میلادی و اتمام آن سال ۱۷۸۵ میلادی ذکر شده است (۱۳۸۲: ۱۳۱). یک نکته قابل توجه از تاریخچه کلیسای مریم مقدس تبریز را که مؤید اهمیت تاریخی آن است، می‌توان در کتاب «کلیساهای ارامنه ایران» اثر «لینا ملک‌میان» مطالعه کرد: «... [خلیفه‌گری خلیفه‌گری کل ارامنه آذربایجان] که تا سال ۱۹۳۶ میلادی (۱۳۱۵ شمسی) در صحن کلیسای حضرت مریم، در محله قالا [قلعه] مستقر بود، در این سال به [...]». ۳ / «ملا محمد امین حشری تبریزی» در کتاب «روضه اطهار - مزارات متبرکه و محلات قدیمی تبریز و توابع» راجع به این گورستان می‌نویسد: «قریب به باغشمال مزاری است مشهور به مزار مریم [...] بتخصیص ارامنه را که هر سال در غسل‌الصلیب و دیگر روزها که در نزد ایشان متبرک است در آن مزار ازدحام مینمایند و قربانیها میکشند» (۱۳۷۱: ۷۳) / ۴. با مصاحبه‌هایی که با برخی از شخصیت‌های فرهنگی ارامنه به عمل آمد، آنها نیز عموماً به استناد کتیبه‌ها و تاریخ‌های مندرج بر روی سنگ‌مزارها که به رسم الخط ارمنی است؛ قدمتی حدوداً برابر با یک و نیم قرن برای آن قابل هستند. / ۵. در تعریف اینکه مادور چه نوع ساختمانی است، به متن دو کتاب از تألیفات نویسندگان ارمنی اشاره می‌کنیم. «آندرانیک هویان» (۲۸۳۱: ۶۹). می‌نویسد: «ارمنیان در گورستانها، کلیساهایی کوچک برای انجام مراسم مذهبی پیش از خاکسپاری

درگذشتگان می‌سازند و به آن مادور می‌گویند. همچنین «لینا ملک‌میان» در کتاب «کلیساهای ارمنه ایران» می‌نویسد: «ماتور / Chapel / نمازخانه / بنا یا عمارت کوچکی است که دارای محرابی مانند کلیسا بوده و در مناطق عمومی غیرمسکونی، در ملک شخصی یا خصوصی، مؤسسه خیریه، بیمارستان، قبرستان یا کاخ و امثال آن بنا شده است». ۶ «بهر روز خاماچی» محقق ساعی و توانمند تبریزی که صاحب چندین کتاب ارزشمند درباره تاریخ و فرهنگ آذربایجان است، راجع به تاریخچه کلیسای شوگاگات مقدس، نظری کاملاً متفاوت با مؤلفین ارمنی دارد؛ وی در کتاب «شهر من تبریز» می‌نویسد: «ساختمان این کلیسا نزدیک به صد سال بلکه بیشتر سابقه تاریخی دارد [...] و با هزینه سیمون منوچهریان از ثروتمندان ارمنه و از سهامداران و مهندسان کارخانه چرمسازای خسروی نوسازی و مرمت شده است» (۱۳۸۶: ۳۳۰-۳۲۹). این سخن ناقص آن است که مرحوم سیمون منوچهریان را بنیانگذار اولیه این کلیسا بدانیم، بلکه اقدام آن مرحوم، صرفاً مرمت و نوسازی کلیسایی بود که قبلاً ساخته شده بود.

۷. در انتهای میبث شناخت تاریخی این گورستان، جهت آنکه سخن قدری کاملتر شود، عرض یک نکته خالی از لطف نیست: می‌دانیم که یکی از منابع پراچ در پژوهش‌ها و مطالعات مرتبط با آثار تاریخی شهر تبریز، کتاب ارزشمند «آثار باستانی آذربایجان» اثر شادروان «عبدالعلی کارنگ» است. اطلاعاتی که در این کتاب راجع به آثار تاریخی ارمنه تبریز درج شده است، درخور توجه بوده و نشان از تلاش آن مرحوم برای آرایه مطلبی کامل و بی‌نقص دارد. لکن در کتاب مذکور، علاوه بر آنکه اشاره‌ای به تاریخچه گورستان فعلی نمی‌شود، بلکه سهواً نام کلیسای این گورستان (شوگاگات مقدس) برای کلیسای گورستان مارالان بکار رفته است.

۸. Functional Classification / ۹. «نادر میرزا» در کتاب «تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز» در بخش «صفت مسجد علیشاه» می‌نویسد: «کنون آنجا را ارک نامند. اسلحه دولت و غلات دیوان را انبار است. این مسجد را [تاج‌الدین] علیشاه وزیر که جیلان لقب داشت، بنیاد نهاد» (۱۳۷۳: ۱۴۲).

۱۰. برای مشاهده و مطالعه نمونه‌های مشابه این آثار، به موزه سنگ تبریز - جوار موزه آذربایجان - رجوع شود.

### فهرست منابع

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. ۱۳۶۷. *مراه البلدان*. مصحح عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حشری تبریزی، ملا محمدامین. ۱۳۷۱. *روضه اطهار؛ مزارات متبرکه و محلات قدیمی تبریز و توابع*. ج ۱. مصحح عزیز دولت آبادی. تبریز: انتشارات ستوده.
- خاماچی، بهروز. ۱۳۸۶. *شهر من تبریز*. ج ۱. تبریز: ندای شمس.
- شجاع دل، نادره. ۱۳۸۵. *گورستان ارمنه تبریز و کلیسای شوگاگات مقدس*. فصلنامه پیمان، ۱۰ (۳۷): ۹۳-۷۸.
- فخار تهرانی، فرهاد؛ پارسی، فرامرز و بانی مسعود، امیر. ۱۳۸۵. *بازخوانی نقشه‌های تاریخی شهر تبریز*. ج اول. تهران: شرکت عمران و بهسازی شهری ایران.
- کارنگ، عبدالعلی. ۱۳۷۴. *آثار باستانی آذربایجان؛ آثار و ابنیه تاریخی شهرستان تبریز*. چاپ دوم. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و انتشارات راستی نو.
- ملک‌میان، لینا. ۱۳۸۰. *کلیساهای ارمنه ایران*. ج ۱. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- مهندسین مشاور معماری و شهرسازی عرصه. ۱۳۷۰. *مطالعات طرح جامع شهر تبریز*.
- نادر میرزا. ۱۳۷۳. *تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز*. ج ۱. مصحح غلامرضا طباطبائی مجد. تبریز: انتشارات ستوده.
- هویان، آندرانیک. ۱۳۸۲. *کلیساهای ارمنیان ایران*. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- هویان، آندرانیک. ۱۳۸۳. *کلیساهای مسیحیان در ایران زمین*. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- هویان، آندرانیک. ۱۳۸۴. *ارمنیان ایران*. ج ۲. تهران: انتشارات هرمس.

### Reference List

- Etemad- ol saltane, M. (1988). *Merat- ol boldan*. Edited by Navaee, A. & Mohades, M. H. Vol. 1. Tehran : University of Tehran.
- Fakhar tehrani, F., Parsi, F., Banimasoud, A. (2006). *Bazkhani- e naghsheha- ye tarikhi- ye shahr- e Tabriz [Rereading of historical map of Tabriz]*. Tehran : Sherkat- e omran va behsazi- e shahri- e Iran.
- Hashri Tabrizi, M. (1992). *Roze- ye athar [Shrine]*. Edited by Dolat abadi, A. Tabriz : Sotoode.
- Huyan. A. (2003). *Kelisaha- ye aramane- ye Iran [Churchs of Armenians of Iran]*. Tehran :Sazman- e Miras farhangi.
- Huyan. A. (2004). *Kelisaha- ye Masihian dar Iran zamin [Churchs of Christian in Iran]*. Tehran : Sazman- e Miras farhangi.
- Huyan. A. (2005). *Armanian- e Iran [Armenians of Iran]*. Tehran : Hermes.
- Karang, A. (1995). *Asar- e bastani- e Azarbajejan [Ancient works of Azarbajejan]*. Tehran : Anjoman- e Asar va mafakher- e farhangi va rasti- e no.
- Khamachi, B. (2007). *Sahr- e man Tabriz- e man [My city, Tabriz]*. Tabriz : Neda- ye shams.
- Melkomian, L. (2001). *Kelisaha- ye aramane- ye Iran [Churchs of Armenians of Iran]*. Tehran : Daftar- e pajuheshha- ye farhangi.
- Nader mirza. (1994). *Tarikh va joghrafi- e darosaltane- ye Tabriz [History & geography of Tabriz, The capital]*. Edited by Tabatabaee majd, Gh. Tabriz : Sotode.
- Shoja del, N. (2006). *Goorestan- e aramane Tabriz va klisa- ye Shoghakat- e moghadas [Tabriz Armenians Cemetery & saint Shoghakat Church]*. Peyman, 10 (37) : 78-93.

## A Study of the Islamic Stone Works in Tabriz Armenians Cemetery

Mohamadbagher Kabirsaber\*

### Abstract

The Study of manifest and covert qualities of historical cemeteries with the purpose of understanding a part of orders and relations in past societies is important for the art history researchers. Through reflection on the environmental qualities of these areas and also study of the dispersed cultural materials in their environment, can help us understand the unknown about the background of Iranian societies and their dominant thought patterns. But if from the beginning, the semantic structure of such premises has been constructed based on conflicting or contradictory elements, their semantic analyses faces a great challenge in its course. Since in order to uncover the truth, many obstacles should be identified and cleared away. Given that, the present paper reviews the interesting co-existence of Islamic and Christian cultural materials in Tabriz Armenian cemetery. Many Islamic gravestones related to the era between the seventh and ninth centuries AH as well as many Islamic carvings and reliefs, especially those created during Il-Khani era, exist alongside the Armenian gravestones. The proximity of artworks from two different ideologies (Islamic and Christian) in this cemetery has created a rather chaotic condition since this amalgamation of varied works, styles and implications of the history is quite heterogeneous. The “why” and “how” of this condition is the main question of this paper. Through historical descriptive method, it is explained that environmental quality of the cemetery is the result of a historical process in which, some Islamic cultural material were relocated from their original context to another (the Armenians cemetery). It needs to be mentioned that while the primary objective of this paper is demystification of the mentioned issue, it attains two more achievements: first, resolving some scientific loopholes about these historical sites, and second, identifying some of the construction materials used in the historical structures of Tabriz province during seventh and ninth centuries AH. Furthermore, the paper first analyzes the formation process of the cemetery and then proceeds to answer the question about the existence of Islamic cultural works in the cemetery.

### Keywords

Historical sites, Hybridization concepts, Relocated cultural material, Stone works

---

\*. Ph.D in Architecture. Assistant Professor, Shahid Beheshti University, Tehran. Iran.  
mbkabirsaber@gmail.com..